

## ● گزارش

# جغرافیای سیاسی نفت و گاز

آنچه در این مقاله به آن اشاره خواهد شد، گذری کوتاه بر تغییر داده‌های بازار در سال‌های آتی، تولیدکنندگان و مناطق حایز اهمیت تولید و مصرف و در پایان نگاهی به جغرافیای سیاسی احتمالی نفت و گاز در سال‌های آتی خواهد بود.

### چشم‌اندازی به تغییر داده‌های بازار

براساس آمار و اطلاعات منابع مختلف نفتی، تغییرات تولید نفت در مناطق مختلف دنیا از جمله در کشورهای عضو اپک و حوزه دریای خزر و مصرف در گروه کشورهای عضو و غیرعضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از این جمله کشورهای جنوب شرق آسیا، نشان از این واقعیت دارد که عمدتاً عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا، کویت، امارات متحده عربی و عراق از سازمان کشورهای صادرات‌کننده نفت (اپک)، ذخایر مورد نیاز برای پاسخگویی به تقاضای روبه رشد سال‌های آتی جهان را دارند.

اهمیت نفت و گاز در قرن حاضر باعث تحولات عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده بوده است. وابستگی کشورهای تولیدکننده سنتی نفت به درآمد حاصل از صادرات آن اعم از حقوق مالکانه، مالیات دریافتی و یا ارزش نفت صادراتی از یک طرف و گردش چرخ‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و ادامه روند توسعه اقتصادی در کشورهای صنعتی به خصوص در نیمه دوم این قرن از طرف دیگر بازار نفت را بازاری آن چنان متأثر از عوامل سیاسی نموده است که به جرأت می‌توان گفت این بازار پیچیده‌ترین و آغشته‌ترین بازارها به تغییرات، حوادث و تحولات سیاسی در تمامی جهان است، تا آنجا که هیچ تصمیم اقتصادی در بازار نفت بدون توجه به عوامل سیاسی و هیچ تصمیم راهبردی سیاسی بدون توجه به آنچه در بازار نفت روی می‌دهد و یا احتمال وقوع آن در آینده امکان‌پذیر است، از دقت کافی برخوردار نخواهد بود.

جدول شماره یک: عرضه جهانی نفت  
(میلیون بشکه در روز)

۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۷۰/۳	۷۸/۶	۷۰/۳	عرضه کل
۲۱/۰	۲۲/۵	۲۱/۰	سازمان همکاری‌های اقتصادی توسعه
۷/۴	۸/۱	۷/۴	شوروی سابق
۱۲/۱	۱۴/۲	۱۲/۱	غیراپک
۲۸/۳	۳۲/۱	۲۸/۳	اپک
۱/۵	۱/۷	۱/۵	باز یافت تصفیه

۴۰

۴۱

۴۰

سهم اپک (به درصد)

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی چشم‌انداز جهان، ۱۹۹۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره دو: تخمین رشد ظرفیت تولید نفت

کشور یا منطقه	۱۹۹۴	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	رشد (به درصد) ۱۹۹۵-۲۰۱۵
عربستان سعودی	۱۰/۵	۱۲/۸	۱۴/۹	۲۱/۲	۳/۴
عراق	۰/۶	۵/۷	۶/۷	۷/۲	-
ایران	۳/۹	۵/۲	۵/۵	۶/۰	۲/۱
امارات متحده	۲/۶	۳/۷	۴/۵	۴/۸	۳/۰
کویت	۲/۳	۳/۶	۴/۲	۴/۵	۳/۲
ونزوئلا	۲/۸	۴/۰	۴/۵	۴/۸	۲/۶
شش کشور اصلی	۲۲/۷	۳۵/۰	۴۰/۳	۴۸/۵	۳/۷
جمع سایر اپک	۷/۵	۸/-	۸/-	۷/۶	-
جمع اپک	۳۰/۲	۴۳/۰	۴۸/۰	۴۸/۳	۲/۹۵۶/۱
غیر اپک					
ایالات متحده	۹/۴	۸/۴	۸/۸	۹/۴	-
دریای شمال	۵/۴	۵/۴	۴/۷	۳/۸	۱/۷
شوروی سابق	۷/۰	۸/۴	۹/۶	۱۰/۳	۱/۹
بقیه جهان	۱۸/۴	۲۱/۷	۲۰/۷	۱۹/۷	۰/۳
جمع غیر اپک	۴۰/۲	۴۳/۹	۴۳/۸	۴۳/۲	۰/۳
جمع جهان	۷۰/۸	۸۶/۹	۹۲/۱	۹۹/۲	۱/۶

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی چشم‌انداز بین‌المللی انرژی سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷، واشینگتن دی سی، می ۱۹۹۶ و آوریل ۱۹۹۷ و همان منبع سالنامه‌های بین‌المللی ۱۹۹۵ و دسامبر ۱۹۹۶ بین‌المللی انرژی.

جدول شماره سه: تقاضای جهانی نفت  
(میلیون بشکه در روز)

۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۹۷/۱	۷۸/۶	۷۰/۳	جمع تقاضا
۵۰/۰	۴۵/۵	۴۲/۲	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
۲۶/۱	۲۳/۸	۲۱/۷	- آمریکای شمالی
۱۵/۹	۱۴/۶	۱۳/۹	- اروپا
۷/۹	۷/۱	۶/۷	- حاشیه اقیانوس آرام
۲/۲	۱/۷	۱/۴	اروپای شرقی و مرکزی
۶/۴	۵/۰	۴/۷	شوروی سابق
۴/۲	۲/۹	۲/۲	آفریقا
۶/۸	۴/۳	۳/۳	چین
۱۰/۳	۷/۱	۶/۱	شرق آسیا
۴/۸	۲/۶	۲/۰	جنوب آسیا
۶/۲	۴/۸	۴/۱	آمریکای مرکزی و جنوبی
۶/۰	۴/۶	۴/۱	خاورمیانه
۰/۳	۰/۳	۰/۲	تغییرات در مخازن

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی - چشم‌انداز انرژی جهان، ۱۹۹۶

جدول شماره چهار: تقاضای جهانی گاز  
(میلیون تن معادل نفت)

۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۱۳۴۶	۱۱۲۹	۱۰۰۱	جهان
۷۲۷	۶۹۰	۶۳۴	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه
۴۵۹	۴۳۳	۴۰۴	- آمریکای شمالی
۲۲۵	۲۲۰	۲۰۲	- اروپا
۴۳	۳۷	۲۸	- حاشیه اقیانوس آرام
۳۶	۲۹	۲۹	کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (شوروی سابق)
۲۶۶	۲۲۳	۲۱۶	شرق آسیا
۴۷	۲۶	۱۵	جنوب آسیا
۷۱	۳۰	۱۸	چین
۴۲	۲۱	۱۲	خاورمیانه
۱۳۶	۹۵	۶۹	آمریکای مرکزی و جنوبی
۲۱	۱۴	۱۰	آفریقا

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی، چشم‌انداز انرژی جهان، ۱۹۹۶

پرتال جامع علوم انسانی

## تولیدکنندگان مناطق حایز اهمیت تولید

جدول‌های ۱ و ۲ نشان‌دهنده اسامی کشورهای اصلی تولیدکننده نفت می‌باشد که از جمله این کشورها تولیدکنندگان اصلی در حوزه خلیج فارس می‌باشند. کاهش تولید توسط برخی از کشورهای دیگر، بیان‌کننده افزایش اهمیت سایر تولیدکنندگان در بازار است.

با استفاده از جدول‌های ۳ و ۴ مصرف‌کنندگان اصلی جهان در سال‌های آتی مشخص می‌شوند. به نظر می‌رسد که چنانچه در یک دوره معقول تا حدود سه سال، مشکلات عمده اقتصادی کشورهای بحران زده جنوب شرق آسیا رفع گردد، آسیا در مجموع به عنوان قاره پیشتاز برای افزایش تقاضا خواهد بود. در این راستا توجه خاص به دو کشور پرجمعیت این قاره و دنیا- چین و هند- روشن‌کننده این نکته است که تحولات اقتصادی و سیاسی در این دو کشور در هر زمان می‌تواند بازار حساس نفت و روند مصرف در سال‌های آتی را تحت تأثیر خود قرار دهد. چنین اهمیتی برای اروپا در روند مصرف گاز مشاهده می‌گردد. در سال‌های آتی در هر چهار جدول فوق آنچه از اطلاعات چهار جدول فوق حاصل می‌شود آن است که به منظور کاهش وابستگی مصرف‌کنندگان به مناطق دور دست، مناطق تولید در هر منطقه اهمیت بیشتری از قبل برای مصرف‌کنندگان نزدیک به خود خواهند داشت. به طور مثال خلیج فارس تأمین‌کننده اصلی و حایز بالاترین اهمیت راهبردی برای

کشورهای آسیایی و به خصوص اقتصاد کشورهای در راه پیشرفته شدن صنعتی است. در مقابل تولیدات دریای خزر برای این منطقه در مرتبه بعد اهمیت قرار دارد.

دریای شمال، روسیه، خاورمیانه و بازیگر جدید بازار نفت- دریای خزر- اهمیت خود را برای اروپا در آینده نزدیک اثبات خواهند نمود و چنانچه اروپای شرقی از تنگنای اقتصادی خود خارج گردد- که در آینده کوتاه‌مدت محتمل نیست- اهمیت دریای خزر به مراتب افزایش خواهد یافت. آفریقای شمالی و غربی نسبت به سایر مناطق تولید برای اروپای غربی از اولویت و اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود.

آنچه به عنوان تحول قابل تأمل در بازار سال‌های آتی نفت می‌توان از آن نام برد، کاهش وابستگی آمریکای شمالی و به ویژه ایالات متحده آمریکا به نفت منطقه خلیج فارس است و افزایش اهمیت تولیدکنندگان قاره آمریکا در مرحله اول برای این بازار مصرف روبرو شد و در مراحل بعدی اهمیت تولیدکنندگان آفریقا، خاورمیانه، دریای خزر و روسیه خواهد بود. به نظر می‌رسد مصرف آفریقا به سهولت توسط آفریقا و خاورمیانه قابل تأمین باشد و بازاری مناسب برای سایر تولیدکنندگان نباشد.

## سیاست‌های احتمالی سرزمینی نفت و گاز

از آنجا که پیش‌بینی ارقام تولید و

آینده می‌تواند داشته باشد؟

- آیا عدم حصول قیمتی که برای تولیدکنندگان رفع نگرانی برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های آینده را نماید، باعث نخواهد شد که رکود شرق آسیا به خاورمیانه سرایت نماید و در فرصتی کمتر از یک سال اروپا را نیز متأثر سازد و در نهایت در فاصله‌ی کمتر از دو سال به آمریکای شمال نیز کشانیده شود؟ و این تسری تداوم رکود، جهان را در آستانه قرن آتی با رکود فراگیر روبه‌رو خواهد شد؟

- آیا این رکود احتمالی جهان‌گیر، مقدمه‌ی برای برخورد قطب‌های سیاسی و اقتصادی مسلط جهان خواهد شد؟

- آیا کاهش اهمیت جغرافیای سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس برای آمریکا در آستانه قرن آتی، بیان خروج نیروهای نظامی آن کشور از این منطقه به علت کاهش اهمیت مخازن نفتی خاورمیانه برای امنیت ملی آمریکا نیست؟

- آیا تغییر اهمیت جغرافیایی سیاسی خاورمیانه برای آمریکا به معنی عدم حضور مطلق این کشور در منطقه محسوب می‌شود؟ و یا حضور آن به شکل دیگر و با ابزاری به جز بهره‌جستن از تأثیر نفت و معطوف کردن توجه جهان به اهمیت نیروی بالقوه منطقه‌ی نزدیک به این حوزه (اقیانوس هند در مقیاس آسیایی آن و به خصوص هند و پاکستان) نخواهد بود؟ به این گونه حضور آن کشور به بهانه‌هایی دیگر نظیر امکان درگیری‌های اتمی به هزینه

مصرف انرژی تنها بخشی از آینده بازار را تصویر می‌کند و کم‌توجهی به عوامل متشکله یک مدل تخمین این ارقام می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های غیرقابل کنترل آتی در طرف عرضه بازار باشد. استفاده از این ارقام باید با دقت و احتیاط بسیار صورت گیرد زیرا به طور مثال آنچه در بازارهای پولی، سرمایه، کالاهای اصلی کشاورزی و صنعتی - نظیر فلزات - به خصوص فلزات پر بها از جمله طلا - روی می‌دهد، قطعاً اثرات اقتصادی معینی بر تولید و مصرف و آنچه به دلایل سیاسی، اجتماعی و نظامی در یک منطقه از مناطق تولید و یا مصرف رخ می‌دهد اثراتی آتی با پی‌آمدهای میان مدت و بلندمدت در بازار خواهد داشت.

بدون آن که تأکیدی بر لزوم بروز آنچه در زیر پیش‌بینی شده، موارد زیر تنها به عنوان سؤالاتی که می‌تواند به دلایل جغرافیای سیاسی و تغییرات آن در آینده رخ دهد، مطرح می‌گردد:

- آنچه به عنوان بحران اقتصادی در تابستان ۱۹۹۷ در برخی از کشورهای شرق آسیا آغاز شد و در اواخر پاییز آن سال با ورود بحران به کره جنوبی به اوج خود رسید، نشانه‌ی از آغاز رکود اقتصادی برای چند سال آتی نیست؟

- آیا با کاهش شدید قیمت نفت در طی

این دوره کمتر از یکسال و اتخاذ سیاست‌های حمایتی ننوشته ولی اعمال شده توسط برخی از مصرف‌کنندگان عمده در آسیا، نظیر ژاپن، چین و هند، اصلاً سطح قیمت‌ها افزایش مناسبی را در

کشورهای بیشتری از این منطقه در هیبتی متمایز از آنچه امروز ظاهر شده است، ادامه نخواهد یافت؟

- آیا اهمیت دریای خزر و مواد انرژی‌زای این منطقه باعث رونق اقتصاد کشورهای نفتی از لحاظ منابع ولی کند از لحاظ تحولات اقتصادی این حوزه خواهد شد؟ و یا اهمیت جغرافیای سیاسی دریای خزر به آن جهت است که این منطقه نباید یک بار دیگر در حیطه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روسیه قرار گیرد؟

- آیا عدم توافق بر عبور خطوط لوله صدور نفت و گاز دریای خزر از ایران به علت عدم توجیه اقتصادی این مسیر است و یا نگرانی شدید از افزایش عملی اهمیت جغرافیای سیاسی ایران برای کشورهای حاشیه دریای خزر است؟ که در نتیجه خود بساوری سیاسی منطقه‌یی برای کشورهای مذکور ایجاد کرده و حضور سیاسی و نه اقتصادی کشورهای بیگانه در این منطقه را مردود خواهد نمود.

- آنچه در طی چند سال اخیر در ترکیه، ارمنستان، افغانستان و پاکستان رخ داده است و به خصوص تحركات اخیر آمریکا در کشورهای شرق ایران و حمله مستقیم نظامی به افغانستان به بهانه‌های ضدتروریستی، بیان از تمایل و اقدام به منصفه ظهور رسانیدن نظریه «همسایگی همه‌جانبه سیاسی آمریکا با ایران» به منظور در فشار و انزوای سیاسی قرار دادن انقلاب اسلامی

در ایران و در داخل کشورهای همسایه ایران نیست؟

- آنچه به عنوان اهمیت جغرافیای سیاسی اروپای غربی و شمالی در جهان مطرح است، با تحولات اقتصادی پولی پایان این قرن به شدت افزایش خواهد یافت. جز این است که این تحولات پولی که نتایج منفی بر دلار آمریکا خواهد داشت، اهمیت این پول اخیر را در آینده نه چندان دور خواهد کاست و لذا از هم اکنون لازم است که در ابتدا بازار اروپا و در نهایت بازار جهانی به روشی صلح‌جویانه تقسیم شود تا «دلار» نقش تعیین‌کننده خود را در برخی از بازارها حفظ نماید و اقتصاد آمریکا دچار بحران‌های زودرس اقتصادی آتی نشود؟

- آیا آن بخش از اروپا که برای اروپا در این مقطع زمانی نتوانسته است بازاری روبه رشد و شکوفایی سریع محسوب شود- اروپای شرقی و بالکان- بازاری برای حضور فعال و مؤثر اقتصادی و سیاسی آمریکا نخواهد شد؟

- آیا جغرافیای سیاسی جهان به جز این حکم می‌کند که چه در اروپا و چه در آسیا و چه در آمریکا، تقابل سیاسی و اقتصادی آمریکا در دهه‌های ابتدایی قرن آتی با سایر قدرت‌های اقتصادی منطقه‌یی امکان موفقیت نخواهد داشت و لذا آن کشور باید به دنبال تفاهم برای حضور مؤثر در سیاست و اقتصاد جهان باشد؟

- آیا به جز این است که سیاست‌های خصمانه و تهاجمی و برخورد با منطق تحکم و



سایر انسان‌ها را هم مانند خود می‌پندارد و بهبود و افزایش سطح زندگی مادی و معنوی همه انسان‌ها در حال و آینده را وجهه عمل خود قرار می‌دهد.

#### نتیجه

خلاصه آن که جغرافیای سیاسی انرژی از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌تواند توجه و یا عدم توجه به اهمیت آن، نه تنها وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی بلکه تمام کشورها را تحت تأثیرات خود به سوی انحطاط و یا به سمت بهبودی و اعتلای آن گونه شکوفایی که انسان - این بهترین مخلوق خداوند سبحان - لایق آن است، سوق دهد. امید است که هدیه حاصل از تجربیات قرن بیستم به قرن بیست و یکم، توجهی در خور ستایش به این اهمیت باشد.

#### حجت‌الله غنیمی فرد<sup>۱</sup>

۱. دکتر حجت‌الله غنیمی فرد، استادیار دانشگاه صنعت نفت و عضو هیأت مدیره و مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران است.

زور و تصویب نمودن قوانین یک طرفه و شمول آن بر سایر کشورها علیه ملت‌هایی که در صحنه جهانی، هیچ‌گاه به دنبال ایجاد اغتشاش نبوده و همیشه پیام‌آور صلح و ثبات بوده‌اند، محکوم به شکست خواهد بود؟ سابقه چند سال اخیر شاهد گویایی از شکست این سیاست‌های تحکم‌آمیز آمریکا است.

- آیا انسانیت و جهان می‌تواند پذیرای آن باشد که در برخی از کشورهای آفریقایی و غیر آن گروهی از هم‌نوعان در قرن بیست و یکم حتی از داشتن کمترین امکانات زندگی محروم باشند، حال آن که سرزمین آنها جایگاه تأمین بخشی از نیازهای مادی بشر باشد؟ و آیا جغرافیای سیاسی این کشورها که برخی به علت دارا بودن انواع منابع انرژی همیشه توجه بازار جهانی را به خود جلب نموده‌اند، به سمت همگرایی سیاسی و اقتصادی جمعی و یا منطقه‌یی جدی و فعال تغییر نخواهد یافت؟

- آیا انسان قدر خود را در قرن بیست و یکم خواهد دانست. پی خواهد برد که همه از هر سرزمینی با هر سابقه تاریخی و نژادی، زمانی می‌توانند زندگی پر از امید برای خود و نسل‌های بعدی داشته باشند که از تجربه نسل‌های گذشته که فرصت‌های به دست آمده برای ایجاد صلح و دوستی داشتند و نتوانستند از آن بهره‌کامل ببرند عبرت گرفته، دریابند و به این یافته خود جامه عمل بپوشاند که انسان زمانی که به مقام والای انسانیت خود پی برده،

## منابع

- آرشیو شرکت ملی نفت ایران.
- گزارش‌های سازمان بین‌الملل انرژی.
- گزارش‌های سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی